وضعیت اسلام در روسیه و روابط اسلام و مسیحیت در گفت وگو با دکتر طالب سعید بایف

مهدی شوشتری

قبل از آغاز بحث، خواهشمند است ضمن معرفی خود به سوابق و فعالیتهای تحقیقی خود بپردازید.

اینجانب طالب سعید بایف در سال 1973، در شهر اندیحان ازبکستان متولد شدم. 35 سال است که به صورت حرفه ای در خصوص اسلام در اتحاد جماهیر شوروی سابق و روسیه فعالیت می کنم. من در حال حاضر سردبیر ماهنامه منبر اسلام، عضو هیات مدیره اداره روحانیت مسکو و رئیس انجمن اسلام شناسان روسیه می باشم. رساله دکترای خود را در سال 1987 با عنوان "اسلام و جامعه" نوشتم که به وضعیت اجتماعی اسلام در اتحاد شوروی می پرداخت. این کتاب 2 بار چاپ شده و در اروپا موفقیت زیادی کسب نموده است. از دیگر آثار تالیفی خود می توان به "تجربه تحقیقات اجتماعی و تحلیلی" (1984). "حیات انسان و قرآن کریم" (به صورت مشترک با مفتی راویل عین الدین)، "اسلام و آموزشهای مدرن"، "قرآن، زندگی و مرگ"، "کتاب درسی اسلام" اشاره نمود. آخرین اثر من با عنوان "خدای شما و خدای ما یکی است" می باشد که به نقاط اشتراک و افتراق ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت می پردازد که به زودی به چاپ می رسد.

به عنوان اولین سؤال، لطفا نظر خود را در خصوص نظریه "گفت وگوی میان تمدنها" یا "گفت وگوی میان ادیان" بیان دارید؟

نظرات جناب آقای خاتمی در این خصوص، بازتاب گسترده ای در روسیه داشته است. ما بیانیه استاد خاتمی را در "منبر اسلام" چاپ کردیم و این مساله، یکی از نکته های تحقیقات علمی من شده است و مایل به تحقیق و کار در این زمینه هستم. برخی می گویند شرق، شرق است و غرب، غرب و این دو از هم جدا می باشند. غرب مربوط به مسیحیت است و شرق مربوط به اسلام، اما اینها یک چیز را فراموش می کنند و آن اینکه پایه و اساس هر دو دین اسلام و مسیحیت یکی است. نقاط مشترکی می توان میان این دو یافت: اعتقاد به خداوند یکتا، نیکی و محبت و غیره از نقاط مشترک این دو دین هستند. گویا یهودیت، اسلام و مسیحیت در یک اساس و در یک سرزمین (خاورمیانه) پیدا شده اند. گویا مقصد اصلی این نظریه (گفت وگوی میان ادیان) نزدیکی دو فرهنگ گوناگون و رشد روابط بین دو دین می باشد که نظریه بسیار خوبی است و بر این اساس می توان تحقیقات خوبی انجام داد.

در بحث گفت وگوی میان ادیان، مباحث کلی مطرح است، ولی بحثی از گفت وگوی میان فرق مختلف ادیان به میان نمی آید. چه فکری برای اختلافات در ادیان دارید. فکر نمی کنید این واجبتر باشد؟

این موضوع در روسیه دشوار نمی باشد. تقریبا تمام مسلمانان روسیه را اهل تسنن (حنفی) تشکیل می دهند و دیگر فرق اسلامی (شافعی، شیعه و ...) بسیار کم است. ما از بیرون به آنچه در ایران می گذرد، می نگریم و به تلاش شما در نزدیکی ادیان و فرق مذهبی توجه می کنیم که اندیشه خوبی است و ضروری نیز به نظر می رسد که بتوان دیالوگی با دیگر ادیان و فرق برقرار کرد. فرق مختلف اسلامی نباید علیه یکدیگر به تبلیغ بپردازند. آنها باید اختلافات را کنار گذاشته، با یافتن نقاط مشترک، به تفاهم مورد نظر دست یابند.

در صحبتهای خود فرمودید اکثر مسلمانان روسیه سنی مذهب هستند، اما شاهد اختلافات زیادی در روسیه هستیم. اگر این اختلافات مذهبی نیست، پس ریشه آنها در چه می تواند باشد؟

این اختلافات رقابتی است میان رهبران مختلف اسلامی. به عبارت دیگر، بحث، مساله قومیت و رهبری می باشد. از سوی دیگر، ما از بالا به پایین انتظام خاصی نداریم، سازمان واحدی که همه را تحت پوشش قرار دهد، وجود ندارد. در حکومت شوروی سابق 2 مرکز اصلی اسلامی بود: اوفا (باشقیرستان) و مهاج قلعه (داغستان). این مراکز فعالیت خاصی در زمینه فرهنگ اسلامی انجام نمی دادند. پس از پروستریکای گورباچف، همین دو مرکز اصلی نتوانستند دیگران را تحت پوشش خود، متحد سازند و عالیت سازنده ای انجام دهند. آنها می خواستند رهبری را در همین دو مرکز (رهبری قفقاز شمالی و رهبری دیگر ایالتهای شوروی) حفظ کنند. رهبران نیز نتوانستند از عهده آن برآیند.

بعد از فروپاشی شوروی سابق، مراکز جدیدی پا به عرصه نهادند. الان حدود 50 مرکز اسلامی وجود دارند که رهبرانشان مختلف و با دانشهای متفاوت هستند. مساله اساسی برای آنها فقط منافع شخصی خودشان است، آنها برای رشد مسلمانان کاری نمی کنند. البته این را نیز اضافه کنم که برخی رهبران شناخته شده هستند که به دنبال بهبود وضعیت مسلمانان هستند. در سال 1996، شورای مفتیان روسیه تاسیس شد که حدود 12 مفتی در آن فعالیت می کنند. تعداد زیادی از مساجد را تحت کنترل خود دارند. رئیس این شورا، مفتی راویل عین الدین از مرکز اسلامی مسکو (مرکزی که قسمت اروپایی روسیه را تحت پوشش قرار می دهد) می باشد. شورای دیگری نیز تحت نظارت طلعت تاج الدین (مرکز اسلامی اوفا در باشقیرستان) می باشد که بین این دو رقابت وجود دارد. این مرکز چندان فعال نمی باشد، اما در مرکز اسلامی مسکو در 5 سال گذشته فعالیتهای خوبی انجام شده است. این مرکز، تنها مرکزی است که ارگان (روزنامه) مذهبی دارد، کتابهای دینی چاپ می کند، کار تربیت امامان مساجد و استادان مکاتب دینی را برعهده دارد، یک مرکز علمی تاسیس نموده که وظیفه تربیت امامان مساجد را بر عهده دارد که در سال گذشته (1998) اولین دوره آنها فارغ التحصیل شدند.

در سطح ریاست حکومت روسیه، نماینده مرکز اسلامی از حقوق مسلمانان دفاع می کند. مشکل در این است که روحانیون مسلمان روسیه از سطح تحصیلات پایینی برخوردارند. آنها نمی توانند وضعیت فعلی اسلام را درک کنند، نمی توانند از قرآن کریم آیاتی بیابند که مختص مشکلات و مسائل جهان معاصر باشد. آنها فقط می توانند دعا و فاتحه بخوانند، ولی نمی توانند خطبه بخوانند، قرآن را تفسیر نمایند. اینها از لحاظ مذهبی نیز از رشد خوبی برخوردار نیستند. در برخی موارد، نادانی این افراد، سبب کج فهمی از اسلام شده است.

به نظر حضرتعالی، اسلام معاصر چه مشخصه هایی دارد؟ بیشتر بحث معرفتی مورد نظر ماست، مثلا رابطه اسلام و دموکراسی را چگونه می بینید؟

از ویژگیهای اسلام این است که به ما می آموزد در زندگی روزمره چگونه زندگی کنیم و چگونه رفتار نماییم. به عنوان مثال، مسلمانان روسیه، بچه زیاد دارند. کسی نیست که از خانواده بیرون باشد و بدون سرپرست باشد، طلاق بسیار کم است، جرم و جنایت کم است، مسلمانان صبورند، بهتر کار می کنند، مستقلند. این امور ضروری و مهم هستند. در اسلام چیزی بهتر از دموکراسی وجود دارد. اسلام می تواند بگوید که فرد، هم مسلمان خوبی باشد و هم شهروند خوب. قرآن کریم می تواند انسان را برای هر شرایطی آماده کند که انسان در دنیا بی هدف نباشد. این امور در خون ما وجود دارد. متاسفانه در زندگی ما (مسلمانان روسیه) چیزهای بداخلاقی نیز وجود دارد. برنامه های تلویزیونی روسیه بسیار ضداخلاقی است. ما مشکلات زیادی داریم. مسلمانان باید برای مشکلات خود راه حلی بیابند و این راه حلها در درون اسلام و قرآن وجود دارد.

با توجه به پیشینه روابط اسلام و مسیحیت و اسلام و غرب (جنگهای صلیبی، استعمار کشورهای اسلامی از سوی غرب) راههای بهبود روابط اسلام و مسیحیت را در چه می بینید؟

برای این امر، همه باید کوشش کنیم. اگر این ذهنیتها از بین نرود، صلحی بوجود نخواهد آمد. ما در کشوری هستیم که 80 درصد آن را مسیحیان تشکیل می دهند. مسلمانان بیش از همه باید تحقیقات اسلامی و تحقیقات فرهنگی داشته باشند. بیشتر افرادی که در روسیه در خصوص اسلام مطلب می نویسند، یهودیان و مسیحیان می باشند. ما در بین مسلمانان محقق خوب کم داریم. ما باید نه فقط روحانیون کارآمد و تحصیلکرده، بلکه محققان کارآمد داشته باشیم. ما باید تحقیقات ضد اسلامی را خنثی سازیم. محققان غربی که علیه اسلام تبلیغ می کنند، در روسیه نیز وجود دارند. تصویر بدی علیه اسلام بین یهودیان و مسیحیان وجود دارد.

آنها می گویند: مسلمانان تعلیمات خود را از یهودیان و مسیحیان گرفته اند. نشر و گسترش اسلام با توسل به نیروی قهریه و زور بوده است و اسلام دینی عقب مانده و واپس گرا می باشد و مسلمانان افرادی متعصب و متحجر می باشند. آنها تبلیغ می کنند که اسلام از هرجا که عبور کرده، فرهنگ را از بین برده است. اسلام دیگر مذاهب را طرد می کند و با توسل به زور، به تبلیغ خود می پردازد. این مطالب بیان یک طرفه می باشد. محققان غربی دنبال اثبات اینها هستند.

ما باید به دنبال مشترکات باشیم. منبع ظهور اسلام و مسیحیت از عربستان بوده است. همه پیروان اسلام و مسیحیت، فرزندان حضرت ابراهیم (ع) می باشند. ما از طرف دیگر شاهدیم که اولین دولت مسیحیان، اعراب بودند. اولین امپراتوری بزرگ عربها بودند. بهترین محققان در بخش مسیحیت نیز از اعراب بودند. کتاب قدیمی "اساسهای مسیحی" که بهترین کتاب در زمینه مسیحیت می باشد و در مدارس روسیه تدریس می شود، کار "داماسکی" می باشد که نام اصلی اش منصور بوده که یک عرب می باشد.

در پایان می توان به این نکته اشاره کرد که در روسیه، برخی جوانان مسلمان با ناراحتی از روحانیون مسلمان، به مسیحیت گرویده اند. ترکهایی وجود دارند که ابتدا آتش پرست بوده اند و سپس به مسیحیت گرویده اند و دوباره با دلزدگی از مسیحیت، به آتش پرستی روی آورده اند. اینها افرادی هستند که به طور بالقوه می توانند مسلمان شوند و هویت فراموش شده خود را در اسلام بیابند.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. امیدواریم که در آینده بتوانیم ارتباطات بیشتری با هم داشته باشیم.

من هم از شما که این وقت را در اختیار بنده قرار دادید تا در خصوص وضعیت اسلام در روسیه به بحث بپردازم، تشکر می نمایم و امیدوارم در راهی که قدم گذاشته اید، موفق باشید.

پی نوشت:

1) کارشناس دفتر تحقیقات اسلامی